

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال سیزدهم، شماره سی و نهم، تابستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۱۴

تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۴/۲۰

صفحات: ۲۳-۴۴

علل بقای شبکه های اقتصادی سازمان های تروریستی در خاورمیانه در عرصه ارتباطات سیاسی *

دکتر طاهره ابراهیمی فر*

دانشیار گروه روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکزی، ایران

چکیده

تأمین بودجه، موتور محرکه انجام عملیات سازمان های تروریستی (سازمان های مسلح سلفی ملی و فراملی) در خاورمیانه است. این در حالی است که برخی از این سازمان ها نظیر طالبان و داعش با تاسیس به اصطلاح دولت هزینه های رفاهی مناطق تحت سیطره خود را نیز بر مخارج نبرد و بقا خود بار کرده اند. لذا بررسی الگوهای متفاوت حاکی از این واقعیت است که سازمان های مسلح سلفی ملی و فراملی در خاورمیانه با برخورداری از شبکه مالی گسترده غیردولتی به خودگردانی دست یافته اند. اما این واقعیت به نظر می رسد که این خودگردانی بر پایه اراده برخی دولت ها در استفاده از این سازمان ها برای تغییر معینی در نظام بین الملل به منظور دست یابی به منافع نسبی آنها استوار است. بر مبنای همین الگو، این سازمان های تروریستی در خاورمیانه همواره با تأمین منافع نسبی یک یا چند کنشگر دولتی، شبکه تأمین بودجه و در نتیجه بقا خود را حفظ کرده اند. با اتکاء به آموزه های واقع گرایی درباره خصوصیات آنارشیک نظام بین الملل، تنها راه ایجاد خدشه یا نابودی شبکه مالی سازمان های مسلح سلفی ملی و فراملی در خاورمیانه، بکارگیری راهکاری برای افزایش هزینه های تغییر در نظام بین الملل و جلوگیری از دست یابی برخی از دولت ها به منافع است که از این روند حاصلشان می گردد.

کلیدواژه ها: طالبان، القاعده، داعش، شبکه مالی؛ ذینفع سوم، پارتیزان.

مقدمه:

داعش، بعد از طالبان، دومین سازمان قرار گرفته در فهرست سازمان‌های تروریستی و تحریم سازمان ملل متحد و وزارت خزانه داری ایالات متحده آمریکا است که همانند طالبان در افغانستان موفق به در اختیار گرفتن کنترل بخش وسیعی از اراضی (۶۰ هزار کیلومتر مربع) در دو کشور سوریه و عراق شد. البته طالبان برپا کننده یک دولت ملی بود و داعش با داعیه برپایی خلافت عالم‌گیر، از میان برداشتن مرزهای قراردادی میان کشورها را در دستور کار قرار داد (Dabiq5, ۱۴۳۶، ۱-۴۰).

القاعده نیز سازمان فراملی دیگری است که از سوی سازمان ملل متحد و ایالات متحده آمریکا در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار گرفته است، اما بدون در اختیار داشتن زمین و تشکیل دولت، به شکل هسته‌های جدا از هم در سرتاسر جهان به فعالیت خود ادامه می‌دهد. این سازمان‌ها بعد از اعلام موجودیت، زیر آتش حملات ائتلاف‌های جهانی و وضع قوانین محدودکننده مالی قرار داشته‌اند، اما کماکان به حیات خود ادامه داده و حتی قادر به گسترش سازمان و جغرافیای حضور خود بوده‌اند. طبیعتاً بقا و گسترش این سازمان‌ها که همگی در حال نبرد سخت در میداین جنگ هستند، متضمن دسترسی به منابع مالی است. ضمن اینکه دولت‌هایی مثل طالبان و داعش با ایجاد ساختار کارگزاری، علاوه بر هزینه‌های جنگ، موظف به تأمین هزینه‌های رفاهی مردم ساکن در مناطق تحت سیطره خود نیز بوده‌اند. بنابراین منابع مالی به عنوان موتور محرک سازمان‌های یاد شده در راستای تأمین هزینه‌ها عمل می‌کنند که قاعدتاً باید به دلیل اعمال محدودیت‌های شدید توسط سازمان ملل متحد، ایالات متحده آمریکا روبه نابودی گذاشته باشند. بنابراین وقتی حیات سازمان‌های مسلح سلفی ملی و فراملی در خاورمیانه، تداوم دارد، می‌توان نتیجه گرفت که شبکه تأمین مالی به عنوان موتور محرک بقای آنان کماکان پابرجا است. بر این اساس، این مقاله به دنبال پاسخ به این سوال است که چه عواملی بقای شبکه مالی سازمان‌های مسلح سلفی ملی و فراملی در خاورمیانه را تضمین می‌کند؟

این مقاله بر این فرضیه استوار است که برخی دولت‌ها با هدف دستیابی به منافع نسبی، از سازمان‌های مسلح سلفی ملی و فراملی در خاورمیانه برای تغییر در نظام بین‌الملل بهره‌برداری می‌کنند و در نتیجه شبکه تأمین مالی این سازمان‌ها که از الزامات بقای آنهاست را حفظ می‌کنند.

چارچوب نظری

این مقاله یافته‌های خود را بر مبنای نظری مکتب واقع‌گرایی در پارادایم اقتصاد سیاسی بین‌الملل استوار خواهد ساخت، در این مسیر نیز بر آراء رابرت گیلپین تکیه خواهد نمود. بر این اساس باید گفت گیلپین در برداشت فردگرایانه خود سطح هستی‌شناختی آن را مخلوق کنشگران می‌داند. بر این اساس آن دسته از کنشگرانی که بیش از همه از تغییر در نظام اجتماعی منتفع می‌شوند و قدرت کافی

بدست می آورند که بتوانند چنین تغییری را تحت تاثیر خود قرار دهند، می کوشند نظام را به گونه ای که به نفع آنها باشد تغییر دهند. نظام تغییر یافته، حاصل بازتاب توزیع جدید قدرت و منافع اعضای مسلط جدید آن خواهد بود. به این ترتیب، پیش شرط تغییر سیاسی در وجود گسست میان نظام اجتماعی موجود و بازتوزیع قدرت به سمت کنشگرانی است که بیش از همه از تغییر در نظام سود می برند (مشیر زاده، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

به نظر گیلپین، اگر منافع و قدرت نسبی دولت های اصلی در نظام تغییر زیادی نکند یا تغییر در روابط قدرت به گونه ای باشد که توزیع نسبی قدرت دگرگون نشود، نظام در حالت تعادل باقی می ماند. اما تحولات داخلی و بین المللی موجب ایجاد چنین تغییراتی می شوند و در نتیجه، با تغییر منافع و قدرت دولت ها، نظام بین الملل از تعادل به سمت عدم تعادل سیر می کند. گیلپین بر آن است که اقتصاد قلمرو خلق و توزیع ثروت و سیاست، قلمرو قدرت است. توزیع قدرت از این نظر اهمیت دارد که توانایی دولت ها برای نیل به آنچه را که منافع خود تلقی می کنند، عمیقاً تحت تاثیر قرار می دهد و البته در عالم واقع ثروت و قدرت در نهایت به هم پیوسته اند اما نسبی بودن قدرت، دولت ها را به عنوان کنشگران اصلی نظام بین الملل، درگیر بازی بی پایانی برای بهبود یا حفظ مواضع قدرت خود می کند. گیلپین از این منظر در اقتصاد سیاسی بین الملل به نقش قدرت برتر برای اداره امور در سطح جهانی متوصل می شود که ناظر به مفهوم ثبات هژمونیک است (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۱۲۴-۱۲۵).

گیلپین در نهایت ۵ مفروض در مفهوم بندی از تغییر سیاسی بین المللی ارائه می دهد:

۱. اگر هیچ دولتی معتقد نباشد که تلاش برای تغییر نظام به نفع آن است، نظام بین الملل با ثبات (یعنی در وضعیت تعادل) خواهد بود.
۲. اگر منافع مورد انتظار از تغییر نظام بیش از هزینه های آن باشد (یعنی منفعت خالص داشته باشد)، یک دولت می کوشد نظام بین الملل را تغییر دهد.
۳. یک دولت تا زمانی که هزینه نهایی تغییرات، برابر یا بیشتر از سودنهایی نشده است، خواهد کوشید نظام بین الملل را از طریق گسترش سرزمینی، سیاسی و اقتصادی تغییر دهد.
۴. هنگامی که تعادلی میان هزینه ها و مزایای تغییر و گسترش بیشتر حاصل شود، هزینه های اقتصادی حفظ وضع موجود، سریع تر از ظرفیت اقتصادی برای حفظ وضع موجود افزایش می یابد.
۵. اگر عدم تعادل در درون نظام بین الملل حل نشود، نظام تغییر خواهد یافت و تعادل جدیدی که بازتاب بازتوزیع قدرت است برقرار خواهد شد. (مشیر زاده، ۱۳۸۹: ۱۲۲)

براساس موضوع مورد پژوهش در این مقاله و ذیل آراء رابرت گیلپین، در مکتب واقع گرایی، مفاهیم دیگری نیز از ادبیات نظری جنگ چریکی قابل استخراج است که به تحلیل و کسب نتیجه دقیق تر کمک خواهد نمود. یک اصل محوری در نظریه جنگ پارتیزانی وجود دارد که بر مبنای آن، مبارز نامتعارف از جهات سیاسی، نظامی و اقتصادی همواره وابسته به یک طرف دولتی است که

«ذینفع سوم» خوانده می‌شود. «رالف شوررز» و «کارل اشمیت» از نظریه پردازان جنگهای چریکی بر روی نقش «ذینفع سوم» در جنگ پارتیزانی تمرکز داشته و براساس الگو سازی انجام شده از روابط پارتیزان‌ها و دولت‌ها، براین باورند که «ذینفع سوم»، پس از به‌مخاطره افتادن منافعی از سوی چریک‌ها، آنان را نابود خواهد ساخت. «کارل اشمیت»، چریک‌ها را مبارزانی می‌داند که در صفحه شطرنج سیاسی و زمانی که منافع طرف ذینفع سوم را به خطر اندازند صرفاً به‌اندازه یک «گوشت دم توپ» ارزش دارند. بر همین اساس «جان ورنر مولر» نیز که از منتقدان نظریه پارتیزانی بر چالش «ذینفع سوم» متمرکز می‌شود و در نهایت رابطه طرف دولتی (سوم) با چریک‌ها را به یک «سیاه چاله» تعبیر می‌کند (Schmitt, ۲۰۰۴, ۵۳-۶۵).

۲- الگوها

الگوی شورای مجاهدین

روز ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹، ۱۲۰ هزار نیروی زرهی و پیاده ارتش شوروی با هدف جلوگیری از تسلط مجاهدین (اسلام گرا)، خاک افغانستان را اشغال کردند. این نیروها با استعدادی معادل ۲۵ الی ۴۰ هزار نفر از نیروهای جمهوری دموکراتیک افغانستان و حدود ۲۰ هزار نفر از نیروهای شبه نظامی قبایل نظیر حزب دموکراتیک مردمی افغانستان، همراهی می‌شدند. با این وصف نیروهای شوروی و متحدان افغان آنها هرگز قادر به آرام کردن مناطق دوردست نبودند، زیرا از یک سو نیروهای جمهوری دموکراتیک افغانستان در این مناطق از نفوذ محدودی برخوردار بودند و از سوی دیگر مجاهدین با استفاده از تسلیحات آمریکایی و همکاری اطلاعاتی پاکستان (آی.اس.آی) و «سی.آی.ای»، قدرت قابل ملاحظه‌ای برای مقابله با نیروهای مهاجم داشتند. دایره تحقیق کنگره ایالات متحده آمریکا، تسلیحات مورد استفاده مجاهدین را آمریکایی و یک نمونه استراتژیک آن را موشک‌های ضد هوایی استینگر اعلام می‌کند که تاثیر قابل ملاحظه‌ای در نبرد با نیروهای اتحاد جماهیر شوروی داشته‌اند. البته گزارش دایره تحقیق در این باره می‌افزاید:

«تصمیم برای عرضه این تسلیحات بعد از مباحثه عمیق میان رئیس‌جمهور ریگان و اعضاء کنگره در سال ۱۹۸۵ اتخاذ شد که هدف از آن استفاده از ابزارهای موثر در بیرون از مرزها برای مقابله با آنچه در روابط ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی خطرناک به نظر می‌رسد بود. مجاهدین این تسلیحات را در تونل‌های طبیعی و مصنوعی در داخل خاک افغانستان انبار و استفاده می‌کردند. با این وجود هشدار داده شد که امکان دارد این تسلیحات در ساختار بعد از شوروی علیه منافع ایالات متحده آمریکا به کار گرفته شود. زیرا بسیاری از کمک‌های پنهانی به‌سوی گروه‌های اسلام گرا کانالیزه شده بود» (Katz man, ۲۰۱۵, ۸).

روز ۱۴ آوریل ۱۹۸۸ میخائیل گورباچف وساطت سازمان ملل را ذیل عنوان توافق ژنو پذیرفت تا براساس آن نیروهای اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان خارج شوند و در نهایت براساس این توافق، شوروی تا ۱۵ فوریه ۱۹۸۹ به طور کامل خاک افغانستان را ترک کرد. بر اساس گزارش دایره تحقیق کنگره آمریکا که در اکتبر ۲۰۱۵ منتشر شد، دولت ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۸۰ تا سال ۱۹۸۹ که اشغال افغانستان پایان یافت رقمی معادل ۳ میلیارد دلار به مجاهدین در افغانستان کمک کرده است. همچنین بر اساس شماره ۲۳ از جلد پنجم گزارش های نوبه ای دولت ایالات متحده آمریکا در ششم ژوئن ۱۹۹۴ اعلام شد که کمک مخفی به مجاهدین از سال ۱۹۸۰ با مبلغ ۲۰ میلیون دلار در سال آغاز شده و طی دوره ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰ با اعطای ۳۰۰ میلیون دلار در هر سال ادامه داشته و در سال ۱۹۹۱ به ۲۵۰ میلیون دلار کاهش یافته است (Country Fact Sheet, ۱۹۹۴, ۳۷۷).

اما مجاهدین افغان، تنها کنش گران فعال در میدان نبرد افغانستان نبودند. بلکه استعدادی معادل ۲۰ تا ۳۵ هزار نفر از مجاهدان عرب غیر افغان نیز برای جهاد بر ضد اشغالگران روس از مسیر پیشاور وارد افغانستان می شدند که به عرب های افغان شهرت یافته و در عین حال از شبکه مجاهدین افغان قابل تفکیک نبودند (Hafez, ۲۰۰۸, ۴).

سه سال بعد از خروج شوروی، دولت نجیب الله نیز در روز ۱۸ آوریل ۱۹۹۲ سقوط کرد و رژیم مجاهدین به جای وی حکومت افغانستان را به دست گرفت. اما به سرعت شکاف میان احزاب عضو این ساختار نمایان شد و اختلافات میان آنها بالا گرفت. در واقع بعد از سقوط نجیب الله، سبقت الله مجددی رئیس اسلام گرای سکولار جبهه آزادی بخش ملی افغانستان طی آوریل و می ۱۹۹۲ به ریاست جمهوری رسید و پس از آن ربانی با توافق سراینکه تنها تا دسامبر ۱۹۹۴ خدمت کند، متصدی ریاست جمهوری افغانستان شد. او کاهش دوره تصدی خود را رد کرد و این تصمیم به شدت مورد مخالفت سایر رهبران مجاهدین، از جمله حکمت یار قرار گرفت. آنها مبارزه بی حاصلی برای برکناری ربانی انجام دادند. ربانی با حکمت یار توافق کرد که سمت نخست وزیری را احراز کند، اما به دلیل شدت اختلافات این امر میسر نشد و در نهایت درگیری ها بخش اعظم غرب کابل را به ویرانی کشید. به موازات این کشمکش، روحانیون و طلاب اسلامی افغان که بیشتر از روستاهای مناطق پشتون نشین بودند طی سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۴ جریان طالبان را تاسیس کردند. بسیاری از اعضاء مجاهدین که از درگیری ها دل زده شده بودند برای تحصیل به مدارس اسلامی در پاکستان (دیوبندی) مراجعه کردند که در آن اسلام با تفاسیر وهابیت تدریس می شد. طالبان دولت ربانی را فاسد، ضعیف و ضد پشتون معرفی می کرد و ۴ سال جنگ داخلی (۱۹۹۲-۱۹۹۶)، این برداشت عمومی را ایجاد کرد که طالبان، قادر به بازگرداندن ثبات به کشور هستند (Katz man, ۲۰۱۵, ۹). طالبان با اتکاء به پیمان شکنی ها در نوامبر ۱۹۹۴ جنوب قندهار را تصرف و در نهایت ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۶ وارد کابل شد. این در حالی است که در می ۱۹۹۶ اسامه بن لادن رهبر القاعده نیز با هواپیمای شخصی خود از سودان وارد

افغانستان شده بود. او کسی بود که همراه با عده ای دیگر از عرب تبار ها نظیر عبدالله عزام فلسطینی، در آگوست ۱۹۸۸، سازمان القاعده را برای جهاد در افغانستان علیه نیروهای شوروی تاسیس کرده بود. عرب های افغان از طریق «دفتر خدمت» جذب و به افغانستان اعزام می شدند. کنگره آمریکا، در گزارش شماره ۷۵۰۰-۷ و شماره سریال «آر.۷۰۰۴۱» در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱، درحالی که ایالات متحده تهدید فزاینده شبکه القاعده را درک کرده بود به ارزیابی زمینه تاریخی و چشم انداز حضور جهانی القاعده پرداخته و و در واکاوی خود اذعان کرده بود که در دوره پرداخت کمک های ۳ میلیارد دلاری ایالات متحده آمریکا به خوبی از بسیج عرب های افغان برای اعزام به افغانستان اطلاع داشته اما هیچ تلاشی برای توقف آن انجام نداده است. این گزارش دلیل این مسئله را عدم تصمیم یا اقدام بن لادن، عبدالله عزام و عبدالرحمن برای ضربه زدن به منافع ایالات متحده آمریکا در عین انتقاد از سیاست های آمریکا در حمایت از اسرائیل اعلام می کند. این گزارش همچنین در یک تخمین، استعداد عرب های وارد شده به افغانستان که درکنار مجاهدین افغانی نبرد با نیروهای شوروی پرداخته را بین ۱۰ تا ۲۰ هزار نفر ارزیابی کرده است (Rollins, ۲۰۱۱, ۸-۹).

بنابراین ایالات متحده آمریکا رسماً به این مسئله اذعان دارد که برای خارج کردن اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان، کمک های مالی و تسلیحاتی خود را بدون هر گونه ملاحظه در اختیار القاعده و مجاهدین افغانی قرار داده است. این مسئله آنقدر شایع است که یک نقاشی رنگ و روغن از لحظه شلیک موشک های استینگر «اف. آی. ام - ۹۲» توسط مجاهدین افغان در موزه «سی. آی. آی» نصب و به نمایش گذاشته شده است (CIA Museum, ۲۰۱۲). در واقع باید گفت ایالات متحده آمریکا، با کمک مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی به مجاهدین افغان، طالبان و القاعده نقش موثری در تقویت و استقرار حکومت طالبان ایفا کرد. هرچند دولت آمریکا از سال ۱۹۹۴ به مذاکره با دولت طالبان پرداخت و آن را تحت فشار و محاصره اقتصادی قرار داد، اما تا زمان انجام عملیات ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ و حمله به افغانستان از نابودی دولت طالبان که با القاعده و مجاهدان افغان همکاری می کرد ناتوان بود. در واقع بعد از تهدید منافع ایالات متحده آمریکا از سوی القاعده و عدم تمکین دولت طالبان از تحویب اسامه بن لادن، حملات خود به مواضع طالبان را از ۷ اکتبر ۲۰۰۱ آغاز کرد و در نهایت در نهم نوامبر، دولت طالبان در افغانستان ساقط شد (Katz man, ۲۰۱۵, ۱۱).

الگوی معارضین معتدل در سوریه

البته الگوی عملکرد ایالات متحده آمریکا در افغانستان در سوریه نیز تکرار شد. روز ۱۶ جولای ۲۰۱۴، پنتاگون اعلام کرد که ۵۰۰ میلیون دلار از ۵ میلیارد بودجه ضد تروریسم سالانه خود را به آموزش و تجهیز نیروهای معارض معتدل سوری برای مبارزه با داعش اختصاص داده است. این روند از ۲۳ ژانویه ۲۰۱۵ با آموزش حدود ۱۰۰ نیروی معارض معتدل سوری در ترکیه توسط پنتاگون آغاز شد.

البته این روند بعد از ۱۰ ماه از سوی ایالات متحده آمریکا متوقف شد. این تصمیم مبتنی بر تکرار تجربه افغانستان و متکی بر این واقعیت بود که نیروهای معتدل مورد حمایت ایالات متحده آمریکا، سلاح و تجهیزات دریافت شده را به جبهه النصره، شاخه القاعده در سوریه تحویل داده بودند. به دنبال این رخداد وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا روز ۹ اکتبر ۲۰۱۵، رسماً خبر از «مکث عملیاتی در سوریه» و «تغییر تمرکز به سمت نیروهای کُرد» داد (Defense.gov, ۲۰۱۵).

«پیتر کوک» سخنگوی مطبوعاتی وزارت دفاع آمریکا بیانیه معناداری قرائت کرد که ماهیت تلاش در دوره مکث عملیاتی را اقدام برای یافتن نیروهای زمینی انگیزه‌مند برای مبارزه با داعش توصیف کرده و نمونه آن را نیز کردهای کوبانی نامیده بود. بیانیه وزارت دفاع همچنین به این مسئله اذعان داشت که در این دوره زمانی، اشتون کارتر به‌طور مستقیم، تحویل محموله‌های سلاح و تجهیزات به گروه‌های منتخب را هدایت و کنترل خواهد کرد که بواسطه نظارت بر عملکرد آنان و اعمال پشتیبانی هوایی برای مبارزه با داعش اعمال خواهد شد. بیانیه وزارت دفاع درحالی از نیروهای زمینی محلی انگیزه‌مند به عنوان تنها عامل شکست پایدار داعش یاد کرده بود که به نقل از وزیر دفاع، تأکید کرده بود: «چالش‌های عمده‌ای بر سر راه تجهیز و آموزش معارضین معتدل سوری وجود دارد. بنابراین با توجه به پیچیدگی‌های موجود، به سمت نوعی مکث عملیاتی در تجهیز و آموزش نیروها حرکت خواهیم کرد» (Defense.gov, ۲۰۱۵). بعد از ظهر همان روز «پرت مک گورک» مشاور اوباما نیز به این مسئله اشاره کرد که طرح آموزش و تجهیز معارضین معتدل سوری با هزینه ۵۰۰ میلیون دلار با شکست روبرو شده و با استناد به این شکست اعلام کرد که ما باید قابلیت انعطاف‌پذیری و تطبیق داشته باشیم (Nytimes, ۲۰۱۵).

دولت طالبان و الگوی سرگرد «جاستین وای - ریسی»

با عبور از الگوی عملکردی ایالات متحده در قبال مجاهدین افغان و انطباق آن با عملکرد مشابه در قبال معارضه مسلح سوری و ضمن یک عقب‌گرد تاریخی برای بازخوانی شواهد عینی دیگر باید گفت، منابع مالی القاعده و دولت طالبان منحصربه‌کمرهای ایالات متحده آمریکا نبوده است. پرویز مشرف، نخست‌وزیر و فرمانده ارتش پاکستان در مصاحبه خود با شبکه «ای.بی.سی» اذعان کرده بود که بریتانیا و ایالات متحده آمریکا طی دهه ۸۰ میلادی، به‌منظور آموزش و تسلیح طالبان به‌طور انحصاری ۲۰ میلیارد دلار، به پاکستان پول پرداخت کرده‌اند. هر چند در تمام مدت تسلیح و آموزش نیروها برای نبرد علیه شوروی، پاکستان، محل آموزش، تسلیح و انتقال نیرو به افغانستان بوده است، اما این روند بعد از استقرار دولت طالبان، و آغاز مقابله ایالات متحده آمریکا با طالبان و القاعده، نیز ادامه یافت و طبق گزارش شورای امنیت سازمان ملل متحد، پاکستان مسیر کمک‌های انحصاری و نقض تحریم‌های وضع شده علیه افغانستان بوده است. مثلاً بعد از سقوط کابل، دولت پاکستان ۳۰

میلیون دلار به طالبان کمک کرد و ۱۰ میلیون دلار نیز طور اختصاصی به دولت طالبان اعطا کرد (ABC News, ۲۰۱۵).

سازمان اطلاعات بریتانیا، در سال ۲۰۰۰ گزارش داد که سازمان اطلاعات پاکستان، محل آموزش و ایجاد پایگاه برای استقرار نیروهای القاعده را تأمین می‌کرده و بن لادن اعضای عرب و اتباع آسیای مرکزی القاعده را برای آموزش نبرد علیه نیروهای ائتلاف در افغانستان به پایگاه «تیپ ۰۵۵» در پاکستان اعزام می‌کرده است. البته در میان کنشگران دولتی عربستان سعودی و امارات متحده عربی نیز در همکاری با پاکستان نقش بسزایی در کمک‌های مادی و معنوی به طالبان و القاعده بازی می‌کردند و حتی دولت طالبان را نیز شناسایی کردند، اما هر دو روز ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۱، بعد از حمله به برج‌های دوقلو، شناسایی خود را پس گرفتند (Brahimi, ۲۰۱۰-۲۰۰۱).

علی‌رغم وجود حمایت‌های دولتی، طالبان بعد از استقرار دولت، به نوعی از خودگردانی اقتصادی نیز روی آورد. در حالیکه که اقتصاد کشور ۲۵ میلیونی افغانستان با درآمد سرانه ۲۰۰ دلار در سال به ازای هر نفر در سال ۱۹۹۸ در آستانه فروپاشی قرار گرفته بود، اما دولت پاکستان با ایجاد یک شبکه گسترده قاچاق، درآمدی معادل ۱۰۰ الی ۱۳۰ میلیون دلار در سال را برای دولت طالبان ضمانت کرد. البته براساس گزارش ۵ اکتبر ۲۰۰۱ کنگره آمریکا، طالبان بر ۹۶٪ مزارع کشت خشخاش در افغانستان تسلط داشت و با دریافت مالیات از این مزارع نیز درآمدی حدود ۳۰۰ میلیون دلار در سال کسب می‌کرد. براین اساس افغانستان در سال ۲۰۰۰، ۷۲٪ از تولید تریاک جهان را به خود اختصاص داده بود. این گزارش همچنین تأکید داشت که طالبان سالانه ۴۰ میلیون دلار نیز از تجارت بین‌المللی دارو کسب درآمد می‌کند (Perl, ۲۰۰۱-۲۰۰۱).

با پرهیز از اطناپ باید گفت سازمان ملل متحد و ایالات متحده آمریکا بعد از استقرار طالبان، علی‌رغم اتخاذ تمهیدات محدود کننده علیه این رژیم که کشور افغانستان را با فروپاشی کامل اقتصادی روبرو کرد، اما بدون حمله مستقیم قادر به نابودی طالبان نشد. هرچند منابع مالی طالبان درهم تنیدگی پیچیده‌ای با شبکه مالی القاعده داشت، اما در واقع به نظر می‌رسد تا زمانی که دولت‌های حامی طالبان، اراده خود برای کمک به دولت استقرار یافته توسط این گروه را تغییر ندادند، فروپاشی آن میسر نشد. سرگرد «جاستین وای رییس» در طرح خود به دولت آمریکا، با تمرکز بر روی نظریه مرکز ثقل پیشنهاد داده بود که نابودی دولت طالبان با ضربه به آسیب‌پذیری‌های حیاتی از طریق نابودی الزامات حیاتی و سپس قابلیت‌های حیاتی این رژیم امکان‌پذیر خواهد بود و ایالات متحده آمریکا برای نابودی دولت طالبان باید بر روی بلوکه‌داری‌های دولتی و قطع کمک‌های خارجی متمرکز شود. او با ارائه ۲ الگو، توضیح داده بود که تمرکز بر شبکه مالی غیر رسمی طالبان به قطع منابع مالی و نابودی دولت نخواهد انجامید. او در شرح و انطباق نظری طرح خود منابع مالی طالبان را مرکز ثقل عملیاتی این سازمان قلمداد کرده و به ترتیب اجزاء مرکز ثقل طالبان را به شرح

زیر معرفی کرده بود:

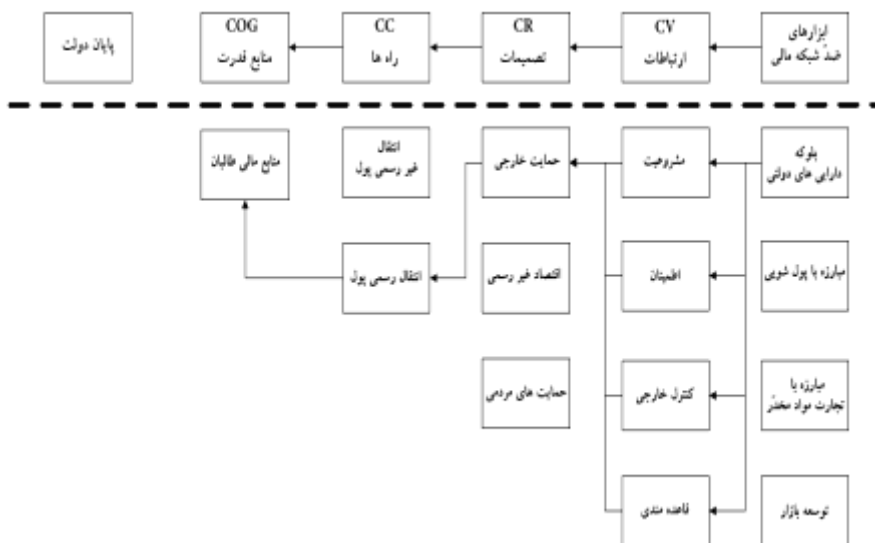
۱. قابلیت های حیاتی: مکانیسم های مالی طالبان که عبارت است از استفاده از ابزار جریان مالی برای تبدیل مکانیسم توزیع پول در سرتاسر سازمان.

۲. الزامات حیاتی: منابع مالی شناخته شده که شامل کمک های خارجی، اقتصاد غیر رسمی، کمک های مردمی در داخل است. کمک های خارجی متمرکز بر کمک های ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی، ایران و روابط فیزیکی با دولت پاکستان است. اقتصاد غیر رسمی نیز در برگیرنده صادرات و واردات و قاچاق است.

۳. آسیب پذیری های حیاتی: شامل کنترل های خارجی، قاعده مندی، مشروعیت و اطمینان است.

«جاستین وای رییس» معتقد بود که ضربه به آسیب پذیری های حیاتی در این الگو از مرکز ثقل قادر به نابودی دولت طالبان خواهد بود که شامل ابزارهای ضد شبکه مالی این موضوع خاص، شامل بلوکه دارایی دولتی، پول شویی، مبارزه با مواد مخدر و توسعه بازار در مقابل اقتصاد مشتری محور است که طبعاً در برگیرنده ارتباطات، تصمیمات و راه های خاص خود است (Reese ۱۹۹۷، ۶۴-۶۶).

الگوی سرگرد «جاستین وای رییس» برای نابودی شبکه مالی طالبان



(۶۶-۶۴, pp. ۱۹۹۷, Reese)

الگوی القاعده

الگوی سرگرد «جاستین وای رییس» برای نابودی شبکه مالی طالبان و دولت برآمده از این سازمان در افغانستان در حالی مطرح شد که در هم پیچیدگی عملکردی این سازمان ملی با سازمان فراملی القاعده، مشکلات عدیده ای را برای نابودی ساختار شبکه مالی آنان ایجاد کرده بود. هر چند ایالات متحده آمریکا و سایر کنشگران دولتی در سال ۲۰۰۱ به این اقناع دست یافتند که باید از حمایت دولت طالبان دست کشیده و آن را نابود سازند. اما ترکیب شبکه مالی این سازمان ملی با شبکه جهانی القاعده، بقای آن را ضمانت بخشید. هر چند که اگر دولت طالبان بواسطه حمله مستقیم نظامی ساقط نمی شد، هیچ ضمانتی برای اثر بخشی محدودیت های ایجاد شده توسط سازمان ملل و وزارت خزانه داری ایالات متحده آمریکا نیز در بین نبود، کما اینکه دولت طالبان از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ (بازه زمانی اجرای محدودیت ها)، بقای خود را تداوم بخشیده بود (whitehouse.gov, ۲۰۰۱). براین اساس رئیس جمهور بوش در هفتم نوامبر ۲۰۰۱، پیرو فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴، دستور هدف قرار دادن افراد و موسسات وابسته به سازمان القاعده را نیز صادر کرد که علاوه بر ۲۷ هسته اولیه، تا جولای

۲۰۰۳، ۳۱۵ هسته و سازمان مالی دیگر که به القاعده وابسته بودند را منهدم و ۱۴۰۰ حساب مالی متعلق به این شبکه در سرتاسر جهان را مسدود نمود (Departments of the Treasury and Justice, ۲۰۰۳).

با این وجود دفتر حسابداری دولتی ایالات متحده آمریکا در دسامبر ۲۰۰۳ اعلام کرد که اطلاعات ارزشمند کمی برای مبارزه موثر با شبکه مالی تروریسم در دسترس است و این آژانس دولتی با یک شبکه سرمایه گذاری خلاق ربروست که نیازمند تحلیل عمیق است (United States General Accounting Office, ۲۰۰۳).

با این وصف موسسه رند در یک گزارش مفصل ۲۴۷ صفحه ای که در سال ۲۰۰۵ آن را منتشر ساخته بود به تحلیل و شبیه سازی الگوها برای اثر گذاری بر شبکه تأمین بودجه القاعده پرداخت که یک مدل عمومی از شبکه مالی گروه های تروریستی و یک مدل خاص از شبکه مالی القاعده به نمایش گذاشته بود که به منابع مالی و شبکه جابجایی و چگونگی ذخیره ثروت به طور عمومی در گروه های تروریستی و به طور خاص در القاعده اشاره داشت (Kiser, ۲۰۰۵, ۳۰).

الگوی ابتدایی موسسه رند درباره تأمین بودجه یک شبکه تروریستی

ذخیره سازی	جابجایی	درآمد	
ذخیره جواهرات و پول در بانک های هم سو	انتقال پول نقد از سیستم غیر رسمی و بدون ثبت - صورت حساب سازی بین تجاری	تجارت - جمع آوری کمک به اسم خیریه از مساجد و کلیساها - مواد مخدر	داخلی
حساب های بانکی - سهام - اوراق قرضه	انتقالات تلفنی - مبادلات تجاری - انتقالات از حساب های بانکی	هدایای شخصی - هدایا از کلیساها	خارجی

(Kiser, ۲۰۰۵)

الگوی ابتدایی ابتدایی موسسه رند درباره تأمین بودجه در القاعده

ذخیره سازی	جابجایی	درآمد	
ذخیره جواهرات و پول در بانک های هم سو که توسط القاعده کنترل می شوند	انتقال پول نقد از سیستم غیر رسمی و بدون ثبت (حواله) - صورت حساب سازی بین تجاری - تجارت های مخفی	ثروت اسامه بن لادن - تجارت - افراد ثروتمند در القاعده - تجارت کالا - تجارت مواد مخدر	داخلی
حساب های بانکی - سهام - اوراق قرضه	انتقالات تلفنی - مبادلات تجاری - انتقالات از حساب های بانکی	هدایای شخصی - هدایا از مساجد	خارجی

(Kiser, ۲۰۰۵)

هرچند این گزارش مفصل در چارچوب ۲ جدول پیشین به بررسی شبکه مالی چندین سازمان، نظیر «بیرهای تامیل»، سازمان آزادی بخش فلسطین و القاعده پرداخته بود، اما به نظر می رسد جان کلام این گزارش در یک گزاره خبری از اسامه بن لادن خلاصه می شود که یک هفته بعد از عملیات ۱۱ سپتامبر در مصاحبه با روزنامه واشینگتن پست انجام شده بود و به ضعف های متعدد شبکه مالی غرب و اشراف القاعده به این ضعف ها و استفاده از آن برای پیش برد اهداف سازمانی آن اشاره داشت. بن لادن در آن مصاحبه گفته بود: «القاعده از جوانانی تشکیل شده که آموزش های پیشرفته دیده اند به شکاف های سیستم مالی غرب آگاهی کامل دارند. آنها با خطوطی کار می کنند که آشنایی کامل به آن دارند و این شامل عیوب فراوان در سیستم مالی غرب است که یک گرفتاری برای آن محسوب می شوند» (Washington Post, ۲۰۰۱).

براین اساس موسسه رند در بخش برجسته سازی مشکل بر لزوم توجه به ۴ محور اصلی تاکید کرده بود:

۱. دوام و گستردگی سیاست های ضد تروریسم در ایالات متحده آمریکا و استراتژی جامعه بین المللی برای مبارزه با تروریسم بر تأمین بودجه.
 ۲. درک اهمیت پول برای عملکرد یک سازمان تروریستی و اهمیت ویژه پول برای یک سازمان جهانی مثل القاعده
 ۳. اولویت دادن به مسئله تأمین بودجه استراتژی ضد تروریسم.
 ۴. از میان برداشتن هرگونه محدودیت برای مطالعه به منظور دسترسی به اطلاعات
- (Kiser, ۲۰۰۵, ۷).

چهار محوری که رند به عنوان محورهای لازم در نابودی شبکه مالی القاعده بر آنها تاکید کرده

بود، بیش از آنکه عملیاتی به نظر برسد خیال پردازانه و انتزاعی جلوه می کرد. زیرا یک پیش فرض مهم که ۴ محور پیشنهادی موسسه رند وابستگی تام به آن داشت منافع و انگیزه دولت های ذینفع در بقای سازمان های مسلح بود که حتی بعد از ورود نیروهای ائتلاف به افغانستان و نیز ورود آنها به عراق ضامن بقای شاخه القاعده در عراق و پس از آن در عراق و شام بوده است.

الگوی پیچیده داعش

به نظر می رسد شکل پیچیده تری از الگوی مرکز ثقل و طرح نظری سرگرد «رییس» در مورد دولت طالبان با داعش و دولت برآمده از خلافت نیز قابل انطباق است. بحران در سوریه و عراق و سپس آغاز جنگ داخلی در این دو کشور محل تشکیل و ثبات نمونه ارتقاء یافته تری از دولت طالبان شد. دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، هر چند از سوی هیچ کنش گر دولتی مورد شناسایی قرار نگرفت، اما مبانی مالی آن علاوه بر ۲ الگوی پایه پیشین که توسط موسسه رند طراحی شده بود، از یک عنصر تاثیر گذار برخوردار بود. اضافه شدن نفت به فهرست شاخص های تأمین مالی داعش، قدرت و دوام باثباتی به آن بخشید که مبتنی بر مراکز ثقل چندگانه بود که این قدرتِ نوظهور را قادر به کنترل مساحتی بین ۳۰ تا ۳۵ هزار کیلومتر مربع از خاک عراق و ۳۱ هزار کیلومتر مربع از خاک سوریه سازد.

در حالی ائتلاف «راه حل اصلی» در آمار اعلامی خود مدعی بود که تا ۱۰ ژانویه ۲۰۱۶، ۱۱۷۰ زیر ساخت تولید نفت داعش را هدف قرار داده است که سرهنگ «استیو وارن» سخنگوی این ائتلاف در گزارش روز ششم ژانویه خود برآورد کرده بود حملات نیروهای ائتلاف به زیر ساخت های نفتی داعش توانسته تولید نفت توسط این سازمان را ۳۰ درصد کاهش دهد و میزان تخمینی آن را از ۴۵۰۰۰ بشکه به ۳۵۰۰۰ بشکه در روز کاهش دهد (Defense.gov, ۲۰۱۶E).

با این وصف پنتاگون در ارزیابی خود از توفیق عملیات های حمله نیروهای ائتلاف به زیرساخت های تولید و شبکه فروش آن توسط داعش اذعان کرده بود که این سلسله عملیات ها تنها هزینه تولید و فروش نفت برای این سازمان را افزایش داده و مکانیسم تولید آن را از فن آوری های قرن ۲۰ و ۲۱ به قرن ۱۷ بازگردانیده است. این گزارش بر همین اساس ارزیابی می کرد که به طور کلی عملیات های ائتلاف برای ضربه به زیرساخت های تولید و فروش نفت داعش موثر نبوده است (Defense.gov, ۲۰۱۶E).

فارغ از موثر بودن یا نبودن عملیات های نیروی ائتلاف برای نابودی منبع اصلی در آمد داعش، ارزیابی وزارت خزانه داری ایالات متحده آمریکا، در ژوئن ۲۰۱۴ نشان می داد که این سازمان در هر روز از فروش نفت رقمی معادل یک میلیون دلار کسب درآمد کرده است. البته این درآمد مستمر ورای منابع مالی سنتی نظیر اخذ مالیات، قاچاق و هدایای مردمی در داخل و خارج است. مثلا وزارت خزانه

داری ایالات متحده آمریکا، بر اساس ارزیابی اعلام شده در ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۴، مبلغ هدایای فرستاده شده برای داعش از سوی کشورهای حاشیه خلیج فارس را ۲ میلیون دلار ارزیابی کرده بود و این رقم برای آنچه تحت عنوان در آمد از باج گیری نام نهاده بود مبلغی معادل ۲۰ میلیون دلار در سال را در بر می گرفت (United States Department of Treasury, ۲۰۱۴). هر چند برخی منابع رسانه ای با طرح مالیات به عنوان منبع اصلی درآمد داعش، در محوریت نفت به عنوان منبع اصلی درآمد داعش تشکیک می کنند، اما گزارش های رسمی دولت های مثل ایالات متحده آمریکا و روسیه همچنان فروش نفت را به عنوان منبع اصلی درآمد نفت داعش مطرح می کنند. مثلا وزارت دفاع روسیه با انتشار آمار نوبه ای حملات خود به مواضع تروریستی در سوریه، که روز ۲۵ دسامبر ۲۰۱۵ منتشر کرده بود ۲۰۰۰ هدف مورد اصابت از مجموع ۵۳۸۵ هدف مورد اصابت قرار گرفته را تانکر های سوخت داعش اعلام کرده بود (Russian air group in Syria, ۲۰۱۶).

با این وصف باید گفت علیرغم حملات نیروهای ائتلاف و روسیه، نفت به عنوان منبع اصلی درآمد داعش، همچنان از سوی این سازمان استخراج و به فروش می رسد، اما مسئله اینجاست که بالاخره کنش گرانی خریدار نفت داعش و تأمین کننده هزینه های بقای آن هستند. شواهد عینی نشان می دهند که در الگوی درآمدی این سازمان نیز طیفی از دولت های منطقه ای و فرامنطقه ای ایفاگر نقش هستند. مثلا دیوید کوهن در گزارش ۲۳ اکتبر ۲۰۱۴ به وزارت خزانه داری ایالات متحده آمریکا در پاسخ به این سوال که چه کسانی از داعش نفت می خردند براساس شواهد عینی اذعان کرده بود که واسطه های خرید و فروش نفت ترک تبار نفت استصحال شده توسط این سازمان را خریداری می کنند و بخشی از این نفت نیز از راه خاک اقلیم کردستان برای فروش دوباره وارد خاک ترکیه می شوند. گزارش کوهن، همچنین اذعان کرده بود که حکومت مرکزی سوریه نیز از داعش نفت می خرد (Cohen, ۲۰۱۴).

البته پیش از کوهن علی ادیوغلان یکی از نمایندگان اپوزیسیون دولت عدالت و توسعه در پارلمان ترکیه نیز در ژوئن ۲۰۱۴ اعلام کرده بود که داعش روزانه ۸۰۰ میلیون دلار نفت عراق و سوریه را از راه ترکیه به فروش می رساند (Whitman, ۲۰۱۵).

۲۵ دسامبر ۲۰۱۵، ژنرال «رودسکوی» رئیس عملیات اصلی وزارت دفاع روسیه به نقل از فرمانده نیروهای مسلح روسیه در بخشی از گزارش روزانه خود، اطلاعاتی درباره فروش نفت داعش از مرزهای ترکیه منتشر کرد که در قالب ویدئو و نقشه های علامت گذاری شده به نمایش درآمد. در این گزارش عنوان شد که از ابتدای عملیات هوایی روسیه در سوریه، حدود ۲۰۰۰ هدف مرتبط با تولید و فروش نفت داعش مورد اصابت قرار گرفته که بخش عمده آن مربوط به تانکرهای انتقال نفت بوده است. اما وزارت دفاع روسیه با اذعان به اینکه داعش از شیوه عملیات هوایی آنها در روسیه به خوبی اطلاع پیدا کرده است، این طور گزارش داد که این سازمان تدابیر لجستیکی خود را تغییر داده

و مسیرهای جدیدی برای قاچاق نفت را جایگزین کرده است. یک مسیر برای انتقال نفت، جاده دیر الزور است که در کنترل داعش قرار دارد و از گونا و تل صفوک در سوریه مستقیماً تا موصل و زاخو در خاک عراق امتداد دارد. براین اساس ستون های تانکر از کوتاه ترین مسیر در خاک سوریه به سمت مرز عراق در نزدیکی تل صفوک حرکت می کنند و مقصد بعدی برای قاچاق نفت ترکیه خواهد بود. بنابراین نفت به ایستگاه های بازرسی زاخو در مرز ترکیه منتقل می شود. در زمان انتشار گزارش وزارت دفاع روسیه، تصاویر نشان می داد که در نزدیکی زاخو، ۱۱۷۷۵ تانکر و خودروی سنگین در نزدیکی مرز ترکیه و عراق مستقر بودند که ۴۵۳۰ دستگاه آن در خاک ترکیه و ۷۲۴۵ دستگاه دیگر از آنها در خاک عراق استقرار داشتند. ژنرال رودسکوی به این نکته اشاره کرده بود که داعش به خوبی از این مسئله اطلاع دارد و به همین دلیل با پوشش اطلاعاتی در قالب کاهش تعداد تانکرها در هر کاروان دو مسیر شمالی و غربی را برای انتقال نفت انتخاب کرده تا از حملات هوایی در امان باشد. بر این اساس جاده شمالی مستقیماً به پالایشگاه باتمان و مسیر غربی به جاده ریحانلی اسکندرون منتهی می شود (Russian air group in Syria, ۲۰۱۵).

علاوه بر جمهوری عربی سوریه، جمهوری ترکیه و اقلیم کردستان، این شک و تردید وجود دارد که بخشی از نفت انتقال یافته توسط داعش به اقلیم کردستان از مسیر خاک جمهوری اسلامی ایران برای فروش منتقل می شود. البته گزارش رسمی در این رابطه منتشر نشده است، اما تخمین روزانه یک قاچاقچی نفت در این رابطه معادل ۳۰۰۰ تن نفت (۲۵۳۵۰ بشکه) است که توسط داعش به اقلیم کردستان منتقل و از مسیرهای ترکیه و ایران مجدداً فروخته می شوند. «کریم حسن» یک قاچاقچی ۴۷ ساله سنی که ۱۳ سال است به قاچاق نفت از موصل به اقلیم کردستان اشتغال دارد در این رابطه می گوید: «تجار کرد ضمن توافق با داعش نفت را به نصف بهای بین المللی آن خریداری می کنند و برای عبور هر تانکر نفت قاچاق از نقاط ایست و بازرسی در مخمور، دقوق و طوز خورماتو، رقمی معادل ۱۲۰ تا ۱۵۰ دلار می پردازند که پس از آن بواسطه عبور از خاک ایران و ترکیه، دوباره به فروش می رسد» (The guardian, ۲۰۱۴). البته قاچاق نفت داعش از طریق مرزهای استان انبار به اردن نیز انجام می شود. براساس ادعای «سامی خَلَف»، که یک قاچاقچی اردنی است، حجم قاچاق نفت توسط داعش به اردن در هفته معادل ۲۶ تا ۲۸ تن است که به قیمت ۴۲۰۰ دلار در عراق خریداری می شود و با نرخ ۱۵۰۰۰ دلار در اردن فروخته می شود و برای عبور هر تانکر ۶۵۰ دلار به مرزبانان پرداخت می شود (The guardian, ۲۰۱۴).

البته تنها کشورهای همسایه حوزه قلمرو داعش خریدار نفت استحصال شده توسط این سازمان نیستند، بلکه «هیپاس کوا»، فرستاده اتحادیه اروپا به عراق، در گزارش روز ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۴ خود به شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا، بدون فاش کردن هرگونه نام، تاکید کرده بود که برخی اعضاء این اتحادیه نیز نفت داعش را خریداری می کنند (sott.net, ۲۰۱۴).

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

بررسی الگوهای تأمین مالی سازمان‌های مسلح سلفی در خاورمیانه نشان می‌دهد، منافع دولت‌ها به عنوان دینفع سوم، نقش غیر قابل انکاری در تأمین مالی، ساخت شبکه مالی و بقای آن برای سازمان‌های یاد شده بازی می‌کند. الگوی شورای مجاهدین افغان نشان می‌دهد که ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی و پاکستان با هدف برقراری موازنه با اتحاد جماهیر شوروی اقدام به تأمین مالی و تسلیحاتی نیروهای مبارز افغان کردند. حال آنکه خواسته یا ناخواسته به شکل‌گیری و رشد دولت طالبان و سازمان القاعده و تقویت آن در کنار این مجاهدان افغان کمک کردند. در واقع شبکه تأمین بودجه برای دولت طالبان در خوشبینانه‌ترین حالت با اطلاع دولت پاکستان به فعالیت خود ادامه داده است. هرچند شواهد نشان می‌دهد که سازمان القاعده توسط شبکه وسیعی از افراد، سازمان‌های غیردولتی و بانک‌های وابسته به این سازمان تأمین مالی می‌شود اما چهار محور اصلی مورد تأکید توسط موسسه‌رند نشان می‌دهد که همچنان اراده دولت‌ها برای مهار شبکه مالی سازمان تروریستی جایگاه نخست را در اختیار دارد. با مفروض قراردادن استواری شبکه مالی سازمان‌های مسلح سلفی خاورمیانه بر پایه اراده دولت‌ها، این مفهوم به خوبی بر مفروض‌های دوم و سوم رابرت گیلپین قابل انطباق است که اگر منافع مورد انتظار از تغییر نظام بیش از هزینه‌های آن باشد (یعنی منفعت خالص داشته باشد)، یک دولت می‌کوشد نظام بین‌الملل را تغییر دهد. و نیز یک دولت تا زمانی که هزینه نهایی تغییرات، برابر یا بیشتر از سود نهایی نشده است، خواهد کوشید نظام بین‌الملل را از طریق گسترش سرزمینی، سیاسی و اقتصادی تغییر دهد. چنین دعاوی به خوبی بر الگوی رفتاری ایالات متحده آمریکا در قبال مجاهدان افغان و نیز معارضین معتدل در سوریه قابل انطباق است که تا وقتی هزینه‌های نهایی تغییرات، برابر یا بیشتر از سود نهایی نشده بود ایالات متحده آمریکا دست از اقدام برای تغییر برداشت. طبیعتاً چنین الگویی با شبکه مالی پیچیده و چند سر داعش نیز قابل انطباق است که حجم گسترده‌ای از نفت بواسطه خطوط تانکری به کشورهای همسایه منتقل و فروخته می‌شود.

نتیجه گیری

در واقع باید گفت براساس الگوی کلان «رابرت گیلیپین»، دولت‌ها برای کسب منافع نسبی خود به دنبال تغییر در نظام بین‌الملل هستند و در همین راستا راه بقای شبکه مالی سازمان‌های تروریستی را باز نگاه داشته‌اند. به نظر می‌رسد با عبور از نظریه ثبات هژمونیک به عنوان راه حل آرمانی «رابرت گیلیپین» که عملاً برای تحقق آن در جهان متکثر امروز امکانی متصور نیست می‌توان برای پایان دادن به وضع جاری با توصل به آموزه‌های واقع‌گرایی در نظام آنارشیک بین‌الملل، معکوس سازی ارادی روابط پارتیزان با «ذینع سوم» را به عنوان یک طرح نظری مطرح ساخت که بر اساس آن، پارتیزان‌ها در صفحه شطرنج سیاسی منافع طرف «ذینفع سوم» را به خطر خواهند انداخت و در نهایت طرف دولتی (سوم) را سمت به قطع تلاش برای حفظ بقای سازمان‌های مسلح سوق خواهند داد. در واقع باید گفت تنها در این زمان خواهد بود که منافع مورد انتظار از تغییر نظام بیش از هزینه‌های آن و نیز هزینه نهایی تغییرات، برابر یا بیشتر از سود نهایی خواهد شد و در نتیجه کنش‌گران دولتی ذینفع دست از تلاش برای تغییر نظام بین‌الملل از طریق گسترش سرزمینی، سیاسی و اقتصادی خواهند کشید و طبیعتاً در همین راستا سیاست‌های ضدتروریسم امریکا و نیز استراتژی جامعه بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم در راستای پایان دادن به تأمین بودجه سازمان‌های تروریستی دوام و گستردگی خواهد یافت.

منابع:

- ADRP ۰۲-۱, C۲. (۲۰۱۲). Operational Terms and Military Symbols, Headquarters Department of the Army:
<http://armyrotc.msu.edu/resources/adrp\۰۲.pdf>
- ABC News.(۲۰۱۵) Interview with Pervez Musharraf. Available at:
https://www.youtube.com/watch?v=u۰_FyjmYlrU
- Brahimi, Alia. (۲۰۱۰). The Taliban's Evolving Ideology, LSE Global Governance Working Paper WP ۲۰۱۰/۰۲. Available at:
<http://www.lse.ac.uk/globalGovernance/publications/workingPapers/WP۰۲۲۰۱۰.pdf>
- CIA Museum: Shoot-downs of Soviet helicopter gunships by Mujahedin fighters armed with Stinger missile, CIA Museum. Available at:
https://www.cia.gov/about-cia/cia-museum/experience-the-collection/images/artifacts/۴۵۰x۳۶۰/Painting_FirstSting.jpg
- Country Fact Sheet: Afghanistan, in U.S. Department of State Dispatch. (۱۹۹۴). vol. ۵, no. ۲۳. Available at:
http://www.necsi.edu/afghanistan/pdf_data/۳/۳۳۷۴۸.html
- Cohen, David S.(۲۰۱۴).Remarks of Under Secretary for Terrorism and Financial Intelligence David S. Cohen at The Carnegie Endowment For International Peace, "Attacking ISIL's Financial Foundation. Available at:
<http://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/j۱۲۶۷۲.aspx>
- Centcom. (۲۰۱۵).A. Reports of New Syrian Force Equipment Being Provided to Al Nusra Front: September ۲۵, ۲۰۱۵RELEASE ۲۰۱۵۰۹۰۴#FOR IMMEDIATE RELEASE. Available at:
<http://www.centcom.mil/en/news/articles/sept.-۲۵-reports-of-new-syrian-force-equipment-being-provided-to-al-nusra-f>
- Departments of the Treasury and Justice. (۲۰۰۳). National Money Laundering Strategy. Departments of the Treasury and Justice. Available at:
www.ustreas.gov/offices/eotffc/publications/ml۲۰۰۳.pdf
- DABIQ, Issue۵. REMAINING AND EXPANDING. Available at:
<http://media.clarionproject.org/files/islamic-state/isis-isis-islamic-state-magazine-issue-۵-remaining-and-expanding.pdf>

-Defense.gov.(۲۰۱۴).A. Vice Chairman: Budget Request Covers More Than Afghanistan. Available at: <http://www.defense.gov/News-Article-View/Article/۶۰۲۸۹۲>

-Defense.gov.(۲۰۱۴).B, U.S. Troops to Begin Establishing Syrian Opposition Training Sites: <http://www.defense.gov/News-Article-View/Article/۶۰۳۹۶۸>

-Defense.gov.(۲۰۱۵).C. Pentagon Shifts Focus in Syria. Available at: <http://www.defense.gov/News-Article-View/Article/۶۲۲۶۶۳/pentagon-pauses-moderate-syrian-train-and-equip-mission>

-Defense.gov.(۲۰۱۵).D. Statement on Syria Press Operations Release No: NR- ۱۵-۳۹۲ October ۹, ۲۰۱۵. Available at: <http://www.defense.gov/News/News-Releases/News-Release-View/Article/۶۲۲۶۱۰/statement-on-syria>

-Defense.gov.(۲۰۱۶).E. OMENEWS ARTICLE VIEWOIR Spokesman: ISIL Now in Defensive Crouch in Iraq, Syria, By Cheryl Pellerin. Available at: <http://www.defense.gov/News-Article-View/Article/۶۴۱۷۵۰/oir-spokesman-isil-now-in-defensive-crouch-in-iraq-syria>

-Defense.gov.(۲۰۱۶).F. Progress Made in Degrading ISIL Oil Revenues, Official Says, By Lisa Ferdinando DoD News, Defense Media Activity. Available at: <http://www.defense.gov/News-Article-View/Article/۶۳۶۴۰۱/progress-made-in-degrading-isil-oil-revenues-official-says>

-Executive Order ۱۳۲۲۴:۲۰۰۰. Available at: <http://www.treas.gov/offices/eotffc/ofac/sanctions/t\ter.pdf>

-Echevarria, Antulio J.(۲۰۰۲). CLAUSEWITZ'S CENTER OF GRAVITY: CHANGING OUR WARFIGHTING DOCTRINE—AGAIN! Strategic Studies Institute. Available at: <http://www.strategicstudiesinstitute.army.mil/pdf/PUB۳۶۳.pdf>

-Kiser, Steve.(۲۰۰۵). Financing Terror, An Analysis and Simulation for Affecting Al Qaeda's Financial Infrastructure, Published ۲۰۰۵ by the RAND Corporation. Available at: http://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/rgs_dissertations/۲۰۰۵/RAND_RGSD۱۸۵.pdf

-Katz man, Kenneth .(۲۰۱۵).Afghanistan: Post-Taliban Governance, Security, and U.S. Policy , Congressional Research Service , ۵۷۰۰-۷, RL ۳۰۵۸۸

.Available at: <https://www.fas.org/sgp/crs/row/RL۳۰۵۸۸.pdf>

–Lewis, Jessica D. (۲۰۱۴). The Islamic State: A Counter-Strategy for a Counter-State: MIDDLE EAST SECURITY REPORT ۲۱, Published in the United States of America by the Institute for the Study of War. Available at: <http://www.understandingwar.org/sites/default/files/Lewis-Center۲۰%of۲۰%gravity.pdf>

–Moshirzadeh, Homeira.(۲۰۱۱). Changes in International Relations Theoris. Tehran: Samt.

–Nytimes.(۲۰۱۵).A. Obama Administration Ends Effort to Train Syrians to Combat ISIS, ۹, ۲۰۱۵.Available at:

http://www.nytimes.com/۱۰/۱۰/۲۰۱۵/world/middleeast/pentagon-program-islamic-state-syria.html?partner=rss&emc=rss&_r= .

–Nytimes.(۲۰۱۵).B; YOURISH, KAREN, WATKINS, DEREK and GIRATIKANON, TOM , ۲۰۱۵, Where ISIS Has Directed and Inspired Attacks Around the World. Available at:

<http://www.nytimes.com/interactive/۱۷/۰۶/۲۰۱۵/world/middleeast/map-isis-attacks-around-the-world.html>

–REESE, JUSTIN. (۱۹۹۷). FINANCING THE TALIBAN: THE CONVERGENCE OF UNGOVERNED TERRITORY AND UNOFFICIAL ECONOMY, A thesis presented to the Faculty of the U.S. ArmyCommand and General Staff College in partial fulfillment of the requirements for the degree, MASTER OF MILITARY ART AND SCIENCE General Studies, B.A., Michigan State University, East Lansing, Michigan .Available at: [file:///C:/Documents۲۰%and۲۰%Settings/AZAD/My۲۰%Documents/Downloads/ADA۲۰%۵۱۲۵۰۲\(۱\).pdf](file:///C:/Documents۲۰%and۲۰%Settings/AZAD/My۲۰%Documents/Downloads/ADA۲۰%۵۱۲۵۰۲(۱).pdf)

–Rollins, John. (۲۰۱۱). Al Qaeda and Affiliates: Historical Perspective, Global Presence, and Implications for U.S. Policy, Congressional Research Service ۵۷۰۰–۷www.crs.gov R۴۱۰۷۰. Available at:

<https://www.fas.org/sgp/crs/terror/R۴۱۰۷۰. pdf>

–Russian air group in Syria.(۲۰۱۵). Chief of the Main Operational Directorate of the General Staff of the Russian Armed Forces told about the results of operation held by Russian Aerospace Forces in Syria. Available at: http://eng.mil.ru/en/news_page/country/more.htm?id=۱۲۰۷۲۳۸۰_@egNews

-Russian air group in Syria.(۲۰۱۶). Chief of the Main Operational Directorate of the General Staff of the Russian Armed Forces told about the results of operation held by Russian Aerospace Forces in Syria. Available at: [@egNews](http://eng.mil.ru/en/news_page/country/more.htm?id=۱۲۰۷۲۳۸۰)

-Reuters.(۲۰۱۵)A. U.S. sanctions businessman helping Syrian government buy oil from Islamic State. Available at: <http://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-usa-sanctions-idUSKBN۰TE۲۳P#۲۰۱۵۱۱۲۵xwwzqxomVyf\mzy.۹۷>

-SCHMITT, CARL. (۲۰۰۴). The Theory of the Partisan , A Commentary / Remark on the Concept of the Political, ۱۹۶۲, Translated by A. C. Goodson , Michigan State University , East Lansing .Available at: <http://obinonet.ro/docs/tpnt/tpntrex/cschmitt-theory-of-the-partisan.pdf>

-Sott.net.(۲۰۱۴). EU Official: Some EU members purchased oil from ISIL. Available at: http://www.sott.net/article/۲۸۵۷۴۸-EU-Official-Some-EU-members-purchased-oil-from-ISIL?utm_source=dlvr.it&utm_medium=twitter

-The guardian.(۲۰۱۴). Inside Islamic State's oil empire: how captured oilfields fuel Isis insurgency. Available at: <http://www.theguardian.com/world/۲۰۱۴/nov/۱۹/-sp-islamic-state-oil-empire-iraq-isis>

-UN Resolution ۱۲۶۷.(۱۹۹۹). Available at: <http://www.state.gov/j/ct/rls/other/un/۵۱۱۰.htm>

-United States General Accounting Office. (۲۰۰۳). "Terrorist Financing: U.S. Agencies Should Systematically Assess Terrorists' Use of Alternative Financing Mechanisms. GAO-۱۶۳-۰۴. November ۲۰۰۳. Available at: www.gao.gov

-United States Department of Treasury.(۲۰۰۸).B: Washington DC: Office of Terrorism and Financial Intelligence. Available at: <http://www.ustreas.gov/offices/enforcement/ofac/programs/terror/terror.shtml>

-United States Department of Treasury.(۲۰۱۴)C. <http://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/jl۲۶۷۲.aspx>

whitehouse.gov.(۲۰۰۱). Comments of President Bush, Delivered at the Department of Treasury, ۷Nov۲۰۰۱. Available at: <http://www.whitehouse.gov/news/releases/۴-۲۰۰۱۱۱۰۷/۱۱/۲۰۰۱.html>

– Washington Post. (۲۰۰۱). Bin Laden, Osama. Interview with Karachi Ummat (Karachi-based newspaper). ۲۸September ۲۰۰۱. Available at: <http://www.washingtonpost.com/ac۲/wpdyn?pagename=article&node=&contentId=A۲۰۰۱-۱۷۹۳۴Oct۶¬Found=true>

– WHITMAN, ELIZABETH. (۲۰۱۵). Is Turkey Buying Oil from ISIS? After Downed Plane, Putin Slams Islamic State's Black Market Fuel Sales .Available at: <http://www.ibtimes.com/turkey-buying-oil-isis-after-downed-plane-putin-slams-islamic-states-black-market-۲۱۹۸۲۱۴>New York, Wollume ۱۲